

دکتر علی نقی مشایخی

مهاجرت جوانان، متخصصان و دانش‌آموختگان دانشگاهی به یکی از مسائل و دغدغه‌های افرادی که دلسوز ایران هستند تبدیل شده است. چند دایره شوم به صورت دوایر علت و معلولی مثبت فعالند که به مهاجرت دامن می‌زنند و آن را به توفان مهاجرت تبدیل می‌کنند.

یک دسته از عوامل موثر بر مهاجرت، شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه‌اند. در حوزه اقتصادی، عواملی نظیر بیکاری، تورم و عدم کفایت حقوق‌ها برای تامین زندگی مناسب دانش‌آموختگان مهاجرت را به دو صورت تشویق می‌کند: یکی آنکه تحمل شرایط موجود دشوار و موجب مهاجرت می‌شود؛ دوم آنکه با ادامه مسائل اقتصادی امید به اصلاح شرایط نیز بسیار ضعیف می‌شود و ناامیدی نسبت به آینده، مهاجرت نیروهای متخصص و دانش‌آموختگان را بیشتر می‌کند. در حوزه اجتماعی تبعیض در پذیرش دانشگاه‌ها و گرفتن شغل به نفع گروه‌های خاص موجب نارضایتی و ناامیدی افراد می‌شود.

به علاوه، تحمیل سبک زندگی یا نوع پوشش خاص به جوانان، فشار بر آنها را زیاد می‌کند و در نتیجه به علت ناامیدی و احساس فشارهای اجتماعی مهاجرت زیاد می‌شود. در حوزه سیاسی بسته بودن راه‌های مشارکت در فرآیندهای سیاسی نظیر انتخاب شدن و انتخاب کردن برای مسوولیت‌های سیاسی، نسبت به شرایط جامعه بی‌تفاوتی به وجود می‌آورد و اتصال و چسبندگی افراد به جامعه را کاهش می‌دهد و آنها را آماده مهاجرت می‌کند. با مهاجرت افراد نخبه، متخصص و دانش‌آموخته بر اثر عوامل مزبور متوسط کیفیت نیروهایی که در ایران می‌مانند، کاهش پیدا می‌کند و میدان برای به عهده گرفتن نقش‌های مهم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در راستای مدیریت سازمان‌های دولتی و خصوصی برای نیروهای با کیفیت پایین‌تر باز می‌شود. باز شدن میدان برای نیروهای با کیفیت کمتر از یک‌طرف و گزینش‌های عقیدتی و مبتنی بر وابستگی‌های سیاسی و فامیلی، از طرف دیگر کیفیت نیروی انسانی فعال در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرایی را کم می‌کند. کاهش کیفیت نیروها، کیفیت تصمیم‌ها و اجرا را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کاهش می‌دهد. در نتیجه، وضعیت کشور در حوزه‌های مزبور بدتر می‌شود و مهاجرت را تشدید می‌کند و یک سیکل شوم شکل می‌گیرد. به علاوه، حضور نیروهای با کیفیت پایین در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری منظومه فکری حاکمیت را در جهت اعمال گزینش و تبعیض در انتخاب را مستدام و دایره شوم بالا را تقویت می‌کند. در این دایره شوم رفتن نیروهای کیفی از کشور، میدان برای نیروهای با کیفیت پایین‌تر باز می‌شود و اداره کشور به دست نیروهای با کیفیت پایین‌تر می‌افتد که وضع را بدتر و مهاجرت را تشدید می‌کند.



شدت گرفتن مهاجرت و افزایش مهاجران دو دایره شوم دیگر را نیز فعال می‌کند. یکی فشار غیرمستقیم از طرف گروه‌هایی که مهاجرت می‌کنند (peer pressure) بقیه افراد آن گروه‌ها را نیز متمایل به مهاجرت می‌کند. به‌عنوان مثال، وقتی دانشجویان خوب یک رشته تحصیلی یا متخصصان یک حوزه مثل پرستاران مهاجرت می‌کنند، بقیه افراد گروه، سایر دانشجویان یا پرستاران نیز احساس عقب‌ماندگی می‌کنند و به مهاجران می‌پیوندند و دایره شوم دیگری شکل می‌گیرد. مهاجرت بیشتر، سبب مهاجرت بیشتر می‌شود.

دایره شوم دیگری که با مهاجرت افراد فعال می‌شود این است که آنهایی که مهاجرت کرده‌اند، به دوستان و اقوام خود شرایط مهاجرت را اطلاع می‌دهند و راه را برای مهاجران بیشتر باز می‌کنند و مهاجرت‌های تازه اتفاق می‌افتد. مهاجرت‌های تازه تعداد مهاجران را افزایش می‌دهد و اطلاع‌رسانی بیشتر می‌شود؛ بنابراین در این دایره شوم نیز مهاجرت به مهاجرت بیشتر منجر می‌شود.

به‌علاوه وقتی نیروهای شایسته، اعم از دانشجویان دانشگاه‌های خوب کشور یا متخصصان زبده، مهاجرت می‌کنند و در دانشگاه‌ها و سازمان‌های متعدد عملکرد خوبی از خود نشان می‌دهند، دانشگاه‌ها و سازمان‌های مزبور خواهان پذیرش مهاجران بیشتری از مبدا ایشان خواهند شد و مهاجرت تشدید می‌شود.

بالاخره عامل دیگری که موجب رشد مهاجرت می‌شود، کیفیت وضعیت آموزش و پرورش کشور است و وقتی کیفیت نیروهای که آموزش و پرورش کشور را از نظر محتوا و برنامه‌های آموزشی، استخدام و تامین نیروهای معلم با کیفیت و امکانات آموزشی کافی مدیریت می‌کنند، ضعیف باشند، آموزش و پرورش کشور ضعیف می‌شود.

افرادی که آموزش و پرورش ضعیف تربیت می‌کند از نظر توانایی‌های علمی، فکری و مهارت‌های عمومی ضعیف بوده و هویت ملی-مذهبی محکمی ندارند. ضعف آموزش و پرورش عامل دیگری است که افراد متخصص و شایسته‌ای را که بازار بین‌المللی به آنها نیاز دارد به خاطر دستیابی به آموزش بهتر برای فرزندانشان به فکر مهاجرت می‌اندازد و از نیروهای کیفی جامعه کم کرده و دوایر شوم بالا را تقویت می‌کند.

راه از کار انداختن دواير شوم بالا، باز کردن ميدان برای نيروهای شايسته موجود در ايران در اداره امور کشور در سطوح مختلف است. هنگام استخدام استادان و معلمان، استخدام کارشناسان، انتخاب مديران و گزينش دانشجویان بايد تاکيد بر شايستگی های حرفه ای و تخصصی آنها باشد تا وابستگی های سياسی و عقيدتی. با باز شدن ميدان و به کارگیری نيروهای شايسته و درستکار، اولاً کیفیت تصميم گیری و اجرا در حوزه های مختلف بهبود پیدا می کند؛ ثانياً اميد به بهبود شرایط و باز شدن امکانات خدمت و اثرگذاری مثبت در کشور افزايش یافته و مهاجرت کمتر می شود. چه بسا مهاجرت برعکس به داخل شروع شود؛ کماينکه در اواخر دهه ۷۰ شمسی، نمونه هایی از مهاجرت برعکس ديده می شد.